



معرفی

«البحر الزخار فی شرح أحادیث الأئمة الأطهار»

حسن فخر الشریعه

البحر الزخار

فی شرح

أحادیث الأئمة الأطهار

السید محسن الأمين

شركة الكُتبی للطباعة و النشر

البحر الزخار فی شرح أحادیث الأئمة الأطهار، السید محسن الأمين، بیروت، شركة
الکُتبی للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م، ج ۲، ۶۶۲ + ۲۱۹ + ۴۸۴ ص، اول، وزیری.

حدیث است -، ترجمه نموده، به
خوانندگان محترم تقدیم کنیم، بدان
امید که سودمند افتد. آنچه در پی
می آید، خلاصه پیش گفتار یاد شده
است.

*

سزاوارترین چیزی که ارزش آن را

البحر الزخار، از تألیفات مرحوم سید
محسن امین جبل عاملی (۱۲۸۲ -
۱۳۷۱ق) است که با درگذشت مؤلف،
به فرجام نرسیده است. برای معرفی این
تألیف ارجمند، بر آن شدیم تا پیش گفتار
مؤلف را - که به خوبی کتاب را شناسانده
و حاوی نکات سودمندی بویژه برای اهل



تعداد ثقات را بسیار بیش از این
شمرده اند.

قدمای محدثان شیعه، هرچه از اخبار
پیشوایان معصوم بدانها رسیده، در
چهارصد تصنیف گردآورده اند که به
«اصول اربعمئة» موسوم شده است و
ظاهراً امتیاز این تصانیف از سایر کتب در
این است که این اصول، غالباً به احکام
شرعی اختصاص یافته اند.

از دیرباز تاکنون، محدثان شیعه بر
جمع و تصحیح و حفظ و تنقیح این
اصول همت گماشته اند و برای دور
نگه داشتن احادیث از هر گونه تحریفی،
روایات را به طُرُق گوناگون نقل کرده اند و
به این بسنده نکرده اند که تنها روایات
صاحبان «اصل» را گردآورند. آن گاه
محتوای عمده این اصول در «کتب اربعه»
مندرج گردیده است که عبارت اند از:
الکافی، از محمد بن یعقوب کلینی (که
در رأس علمای قرن سوم قرار داشت)،
کتاب من لا یحضره الفقیه، از محمد بن
علی بن بابویه قمی، معروف به صدوق

دارد که عمرهای گران مایه مصروف آن
گردد، شناخت دین و شرع مبین است.
که به نگرش ما بیشتر احکام دین، تنها به
واسطه نقل از صاحب شریعت و سفیرانش
به دست می آیند (نه با قیاس و استحسان
و رأی مردم) و مجموعه اخبار روایت
شده از پیشوایان پاک طینت ما که از
مدینه العلم نبوی پرتو گرفته است، برای
شناخت عمده ترین مسائل در تمام ابواب
فقه، بسنده است؛ چنان که شیخ
بهایی (ره) گفته است: از این احادیث،
آنچه که کتب ما در بردارند، خیلی بیشتر
است از آنچه در «صحاح ستہ» اهل سنت
آمده است. این مطلب برای کسی که در
احادیث فریقین تتبع کند، هویدا
می گردد.

علمای رجال گفته اند که یک راوی
(ابان بن تغلب) از امام جعفر صادق (ع)
سی هزار روایت نقل کرده است. ابن
عقده، اسامی راویان ثقه ای را که از امام
صادق (ع) حدیث روایت کرده اند، گردآورده
که به چهار هزار نفر می رسند و دیگران،



(که در اواسط قرن چهارم می زیسته)، و دو کتاب التهذیب و الاستبصار از محمد بن حسن طوسی (از عالمان اواسط قرن پنجم).

از آن جا که این چهار کتاب به نیکوترین شیوه، مرتّب و باب بندی شده اند و عمده ترین آنچه در «اصول» بوده، در آنها جمع آوری شده، مراجعه به آنها آسان است. چه بسا خبر واحدی از اخبار «اصول» بر حسب آنچه راوی شنیده، مشتمل بر احکام فراوان و در باب های بسیاری نقل شده باشد. سه شیخ بزرگوار - که بدانها اشاره شد - در جمع و تبویب آن تلاش نموده و در این راه، از نقد عمر گران مایه، مایه گذاشتند؛ بویژه کتاب کلینی (الکافی) که بهترین، مضبوط ترین و مرتّب ترین کتب اربعه است؛ گرچه «التهذیب»، از حیث شمول اخبار، جامع تر است. با وجود این، هیچ یک از کتب اربعه، شامل همه اخبار نیست. از این رو، پس از آن، محدّث فاضل، محمد بن حسن،

معروف به حرّ عاملی، در قرن یازدهم کتابی به نام وسائل الشیعه الی احکام الشریعة تألیف نمود و همه آنچه را در کتب اربعه گرد آمده بود، در آن آورد و از کتاب های مشهور در این موضوع نیز بدان افزود و در حُسن ترتیب و تبویب آن کوشید و این کار را در مدت بیست سال سامان داد.

صاحب وسائل، به امکان جمع بین بسیاری از روایات متعارض توجه داد و تفسیر روایات را لحاظ نکرد. فیض کاشانی نیز کوشید تا ایرادات کتب اربعه را رفع کند و لذا الوافی را نگاشت و در آن، تفسیر پاره ای از مشکلات احادیث را بر عهده گرفت. جمع بین این دو - آن چنان که ما نیز در ابتدا گمان داشتیم - سخت و یا خارج از حد امکان نبود و صاحب الوافی نیز بدین امکان، اشاره کرده است.

با توجه به نواقصی که بدانها اشارت رفت، به این نتیجه رسیدیم که تدارک کاستی های موجود در کتب اخبار به



کتاب رجال و تراجم، این امر روشن می‌گردد). آنها تعلیقه‌ها، شرح و حاشیه‌های طولانی و مختصر بسیاری بر کتب اخبار نگاشته‌اند؛ اما علی‌رغم این کثرت تصنیف در فن اخبار و جولان در این میدان مسابقه، نمی‌توان کتابی از آنان یافت که به طور مستوفی از اسناد همه اخبار، بحث کرده باشد و متون احادیث را شرح کرده، ابهام آن را زدوده و اجمالش را واضح نموده باشد و آنچه را که احکام از آن مستفاد می‌شود، خاطر نشان کرده و بین متعارضات حدیث، جمع نموده باشد و همه امور متعلق به درایت و فهم حدیث، توأم با روشی نیکو در تبویب و ترتیب احادیث، در آن باشد، به گونه‌ای که جامع احکام شرعی باشد.

مدت‌ها بود آرزو می‌کردم تا کتابی جامع‌مه آنچه از ائمه اطهار (ع) درباره احکام فرعی رسیده است، با ویژگی‌هایی که بر شمردم، تألیف کنم تا دو کاری که به آن دو اشاره شد، تدارک

ترتیبی مناسب، امری ممکن است. ما در این طرح و ترتیب جدید، بر دو کار عمده پای فشرده‌ایم: یکی این که تا آن جا که ممکن بود، عنوان‌ها را کوتاه کرده، به آن مقدار که مرتبط با الفاظ روایات بود، بسنده کرده‌ایم. دیگر این که بر ابواب افزوده‌ایم تا تداخل در عناوین نشود.

از آن جا که صاحبان کتب اخبار راه را هموار کرده بودند، بر من آسان نمود تا پس از آنها بتوانم بین آنچه آنان به انجام رسانده‌اند و آنچه که فروگذارده‌اند، جمع کنم. آنان به قدر کفایت، در جمع اخبار، مایه گذاشتند و حسن ترتیب و وضع باقی ماند.

دیگر این که بزرگان شیعه، یادآور شرح کتب اخبار و بحث از همه فنون آن - به گونه‌ای که سایر علمای اسلام در شرح صحاح خود و کتب اخبارشان بدان عمل کرده‌اند -، نشده‌اند. البته محدثان شیعه در این میدان نیز کتب زیادی تصنیف کرده‌اند که از فرط فزونی، قابل شمارش نیست (چنان که با مراجعه به



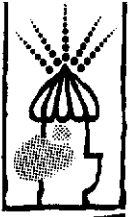
شود؛ یعنی حُسن ترتیب و شرح احادیثی که در کتاب‌های علمای گذشته به طور مستوفاً بدانها پرداخته نشده بود. سختی‌های روزگار و ترس از این که نتوانم در این میدان گام نهم، مرا از شروع به این کار، باز می‌داشت تا این که استخاره کردم و پس از آن که جماعتی از فضلا این امر را نیکو شمردند و مرا بدان ترغیب کردند، عزم خود را بر این کار جزم نمودم و به تصنیف این کتاب، موسوم به البحر الزخار فی شرح احادیث الاثمة الاطهار (ع) همت نمودم که دربرگیرنده تمام اخباری است که از پیشوایان پاک طینت ما روایت شده است، باز دودن اجمال و تفسیر لغات نامفهوم، توضیح مشکلات و یادکرد احکام شرعی‌ای که از اخبار استفاده می‌شود و جمع بین متعارضات اخبار از راه‌هایی که نزدیک به فهم و مورد قبول باشد، به نحوی که بتوان بر آن اعتماد کرد و نیز شامل بحث از رجال سندها و تشخیص خبرهای صحیح از نادرست،

و ترتیب باب‌هاست، به طوری که رجوع به هر باب آسان باشد و این مهم، با تکثیر باب‌ها و عنوان‌هایی که بر اساس مضمون اخبار نام‌هایی به خود گرفتند، صورت یافت، نه بر حسب حمل روایات و تاویل آنها.

از دیگر علل سهل الوصول بودن این کتاب، جمع نکردن اخبار متفاوت در یک باب با عنوانی واحد است، هر چه قدر هم که نزدیک به هم و متناسب با یکدیگر بودند.

نامگذاری عنوان‌ها بر اساس مضمون روایات، تا آن جا که ممکن بود، به گونه‌ای انجام گرفته که احدی پیش از این نکرده است، حتی صاحبان کتب متأخری چون: وسائل و الوافی.

از خدای تعالی در آسان‌سازی سختی‌ها کمک می‌جویم تا مرا به راهی درست، رهنمون سازد و بر او توکل و اعتماد کرده، همه کارهایم را به او می‌سپارم و با واسطه قراردادن محبوب‌ترین آفریده‌اش به او توسل می‌جویم که مرا به



متنافی و متدافع اند و این تنافی و تدافع، به معنای عقیده مؤلف نیست. به تعبیر دیگر، عنوانی که مؤلف برای باب انتخاب کرده، به معنای فتوای مؤلف نیست، مثل عناوین «وسائل» که مستفاد از فتوای صاحب وسائل تلقی می شود.

ج. در پایان بحث از هر خبر، احکام شرعی ای که از آن استخراج می شود، آمده است.

د. در بخشی از این فایده، مؤلف به رمزهایی که در کتاب آورده، اشاره می کند. برای مثال آورده که: رمز «کا» برای «الکافی» و «یب» برای التهذیب.

ه: در این بند، مؤلف تذکر می دهد که در بحث های رجالی کتاب (چون کتاب های متعدد رجالی در اختیار نداشته) از یکی دو کتاب رجالی، به واسطه نقل کرده است.

فایده دوم، در بیان حال اسانید کتب اربعه و اختلاف طریقه مشایخ ثلاثه (کلینی، صدوق و شیخ طوسی) در نحوه تدوین کتب اربعه است و این که هر یک از

کامل نمودن این کار، موفق بدارد و آن را در پیشگاه با کرامتش خالص قرار دهد و آن را برای من و فرزندانم و برادران مؤمنم سودمند سازد، که اوست بهترین توفیق دهنده و مددکار.

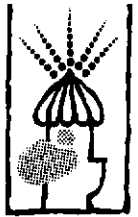
*

پس از این پیش گفتار، مؤلف به مقدمه ای مفصل در دو جلد (۸۶۵ ص) پرداخته و آن را در نه بخش تنظیم کرده و هر قسمت را «فائده» نامیده است، بدین شرح:

فایده اول، به شیوه و روش مؤلف در تالیف این کتاب اشاره دارد و شامل این موارد است:

الف. تذکر این نکته که اسانید حدیث، همان گونه است که مشایخ روایی متذکر شده اند. همچنین به مواردی که کلینی (ره) سند را به جهت بودن آن در حدیث قبلی حذف کرده، تصریح شده است.

ب. تذکر این که در کتاب حاضر، بسیار اتفاق می افتد که عنوان هایی با هم



این سه بزرگوار، در ذکر اسانید کتاب خود، مسلکی متفاوت با مسلک دیگری برگزیده اند. برای مثال، کلینی (ره) تعبیر «عدة من اصحابنا» را زیاد به کار می برد که مراد از آن، در فایده ششم (ج ۲، ص ۱۱۸) آمده است.

اما روایاتی که صدوق (ره) در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده، سه نوع است:

نوع اوّل - که بیشترین روایات کتاب را در برمی گیرد -، به این گونه است که حدیث با نام روایت کننده ای که آن را از معصوم^۱ اخذ کرده، شروع می شود.

نوع دوم، شامل روایاتی است که به صورت مُرسَل از معصوم نقل شده اند، بدون ذکر روات آنها.

نوع سوم، روایاتی را شامل می شود که اصلاً به معصوم^۲ مستند نیستند؛ بلکه به صورت فتوا ذکر شده اند.

و اما شیخ طوسی در التهذیب و الاستبصار، مثل الکافی، گاهی همه سند را می آورد و در مواردی به بخشی از آن

بسنده می کند، مثل کتاب من لا یحضر. فایده سوم، در ذکر طُرُق صدوق (ره) است که در کتاب من لا یحضره الفقیه، آنها را حذف کرده و در پایان کتاب آورده است و سخن در رجال آن و اشاره به صحّت و سقم این گونه روایات.

فایده چهارم، در ذکر طُرُق شیخ طوسی و اسانید اوست.

فایده پنجم، در ذکر اصحاب اجماع است.

فایده ششم، در تفسیر «عدة من اصحابنا» است که کلینی (ره) از آنان روایت می کند.

فایده هفتم، در بیان توصیفاتی است که شیخ طوسی در شرح حال برخی از رجال سند، آورده است.

فایده هشتم، به طُرُقی که مؤلف با آنها از کتب اربعه و دیگر کتاب های روایی نقل حدیث کرده، اشاره می کند و طریقه منحصر به فرد خویش را در نقل روایت، «اجازه» برمی شمرد.

فایده نهم، در بیان شرایط اخباری



بین دو تصنیف (ادامه تالیف البحر الزخار و فراهم سازی اعیان الشیعة) جمع کند و چون درمی یابد که این کار برایش ممکن نیست، همّت خود را صرف تالیف اعیان الشیعة می کند تا در فرصتی دیگر، به ادامه و تکمیل البحر الزخار پردازد؛ ولی - چنان که گذشت -، با درگذشت او البحر الزخار به فرجام نمی رسد.

در پایان باید اذعان کرد که تالیف حاضر، گام بلندی است برای دسترس یافتن به منابع استنباط؛ ولی دریغ که مؤلف بر اتمام آن، توفیق نیافت. اگر کسانی این راه را به شیوه ای که مرحوم امین پیموده است، دنبال کنند، بی شک، خدمتی به عرصه فقاهت و اجتهاد نموده اند. بدین امید، پیشاپیش، تلاش آنان را می ستاییم و بر روان مؤلف - که این طریق را پی نهاد -، درود می فرستیم.

است که بر اساس آنها حکم شرعی استنباط می شود.

با اتمام فایده نهم، مقدمه کتاب پایان می یابد و متن بر اساس شیوه ای که بدان اشارت رفت، از جلد سوم آغاز می شود و شامل مباحثی از «کتاب الطهارة» است، از آب مطلق تا آبی که در غسل استعمال می شود. متأسفانه این تالیف ارزشمند، در همین جا متوقف می گردد و مؤلف به ادامه و تکمیل اثر، توفیق نمی یابد؛ چون تالیف البحر الزخار، اندکی پیش از شروع جنگ جهانی اول آغاز می شود و با شعله ور شدن جنگ - که چهار سال به طول انجامید و هم و غم مردم قبل از هر چیز، حفظ جانشان بود -، این اثر نیز متوقف می ماند و با اتمام جنگ، مؤلف به فکر تالیف کتاب اعیان الشیعة می افتد، با این امید که بتواند

